



نگاهی به منتخبی از سریال‌های ملودرام در ۴ دهه گذشته

سریال‌های خانوادہ پسند

پدر سالار

اکبر خواجه‌پوری و علی‌اکبر محلوچیان در این مجموعه پرطرفدار سراغ سنت‌ها رفته و خانواده‌ای را بر این اساس شکل داده‌اند که مساله‌ای بظاهر ساده را به یک معضل بزرگ تبدیل می‌کنند. اسدا... واعظیان به‌عنوان شخصیت مرکزی داستان، مردی دلبسته به سنت‌هاست که فرزندانش را پس از ازدواج هم در کنار خود قرار داده و حاضر به جدایی آنها نیست تا این که برادرزاده و عروسی آذر، چالشی بزرگ را برایش رقم می‌زند. خواجه‌پوری در خلق شخصیت اصلی خود عالی عمل کرده و بخش مهمی از موفقیت کار را مدیون همین شخصیت‌پردازی است که در نقطه مقابلش خواهر همسر و نیز مادر یکی از عروس‌هایش قرار دارد. در این بین نباید از حضور محمدعلی کشاورز در نقش اسدا... خان هم غافل شد که جلوه خاصی به این نقش بخشیده و کاملاً در قواره‌های آن نشست است.

در پناه تو

یکی دیگر از به اصطلاح سریال‌های خیابان خلوت کن دهه ۷۰ تلویزیون ساخته حمید لخبند است که مایه‌های عاشقانه آن در آن سال‌ها کاملاً جلب توجه می‌کرد. داستان چند دانشجوی رشته نمایش و هنر که در ارتباط با یکدیگر قرار داشته و به نوعی زندگی‌هایشان به هم گره می‌خورد. از محمد منصوری، رامین و پارسا گرفته تا مریم و فیروزه و... که هر یک گوشه‌ای از داستان را گرفته و پیش می‌برند. تیپ شخصیت‌هایی که باورپذیر بوده و به‌عنوان یک دانشجوی دهه هفتادی به باور مخاطبان خود می‌نشستند. بازی‌ها هم تا حدود زیادی واقع‌گرا بوده و در آن بندرت از اغراق‌های آنچنانی خبری هست. هرچند این مورد در بازی لمیا زنگنه تا حدود زیادی مشاهده می‌شود که جزو نقاط ضعف در پناه تو به حساب می‌آید.

روزگار جوانی

در نیمه دوم دهه ۷۰، جوان‌ها حضور فعالی در شبکه‌های تلویزیونی بخصوص شبکه‌های تازه پاگرفته داشته و مجموعه‌های تلویزیونی را هم بی‌نصبی نگذاشتند. به همین خاطر هم سریال‌های زیادی در این دوره زمانی ساخته شد که جوان‌ها شخصیت‌های اصلی آن بوده و نقشی پررنگ در پیشبرد آن به عهده داشتند. روزگار جوانی

نگاهی نو به آپارتمان نشینی در ابتدای دهه ۷۰ که با چند داستانک جذاب تلفیق شده و مخاطب را تا آخر به دنبال خود می‌کشاند. حضور چند خانوار در یک مجتمع مسکونی، فضای لازم را در اختیار نویسنده کار (فرهاد توحیدی) قرار داده تا با خلق داستانک‌هایی برای هر یک از آنها سروسشکل جذاب تری به سریال بدهد. به همین خاطر هم آپارتمان سرشار از تیپ و تیپ-شخصیت‌هایی است که برای مخاطب آشنا به نظر رسیده و قصه را بخوبی در عرض گسترش می‌دهند.

نیمه پنهان ماه

نخستین سریال پربیننده‌ای که صرفاً برای پخش در ماه مبارک رمضان تدارک دیده شده و داستان پرفراز و فرودی هم دارد. یک ملودرام خانوادہ محور که در آن هر یک از شخصیت‌ها داستان خود را داشته و رازی هم میان آنها جریان دارد. نیمه پنهان ماه در زمان پخش خود سریال چندان کند و بی رمقی به نظر نمی‌رسید اما در نگاهی دوباره بسیار کند و کشدار به نظر می‌رسد که بخش مهمی از آن به اضافات فیلمنامه‌اش بازمی‌گردد. تیپ‌ها هم نقش فعالی در این سریال داشته و به کیفیت شخصیت‌پردازی آن لطمه‌های زیادی وارد کرده‌اند. با این حال این سریال یک نقطه عطف خوب دارد که روند کند پیشرفت داستان را عوض کرده و کیفیت متفاوتی به آن می‌بخشد که مهم‌ترین نقطه قوت کار به حساب می‌آید.

آوای فاخته

بهمن زرین‌پور از اواخر دهه ۶۰ تا نیمه دهه ۷۰ پرکار ظاهر شده و سه ملودرام تلویزیونی ساخت که آوای فاخته شاخص‌ترین آنهاست. قصه پیرمرد توده‌ای که پس از ۴۰ سال به ایران بازگشته و به دنبال دختر گمشده خویش است اما در این بین خواهرش فکر دیگری درباره او دارد. آوای فاخته شباهت بسیار به تمام ملودرام‌های مشابه‌اش در تمامی سال‌های پس از انقلاب داشته و حتی به لحاظ ریتم هم با آنها هم نمی‌زند! اما آنچه آن را از نمونه‌های مشابه متمایز کرده، دیالوگ‌های آن و نیز بازی‌های خوب بازیگرانش بخصوص اکبر زنجانی‌پور، داوود رشیدی و منوچهر حامدی است که به تنهایی چند پله‌ای کیفیت کار را ارتقا بخشیده‌اند.

بخش مهمی از مجموعه‌های تلویزیونی پخش شده در ۴ دهه پس از پیروزی انقلاب را ملودرام‌ها تشکیل می‌دهند که برای آن می‌توان چند دلیل مهم ذکر کرد. نخست علاقه مردم ایران به قصه شنیدن و مواجهه با داستان‌هایی است که خود را به آن و شخصیت‌هایش نزدیک حس کنند. دیگر این که ملودرام قابلیت ترکیب با سایر گونه‌ها را داشته و همین امر دست فیلمنامه‌نویس‌ها و کارگردان‌ها را برای خلق آثاری ترکیبی باز می‌گذارد. به همین خاطر هم در ۴۰ سال گذشته با سریال‌هایی مواجه می‌شویم که ترکیبی از ملودرام و ژانرهای مختلفی از تاریخی و سیاسی تا عاشقانه و... هستند. در این پرونده به تعدادی از آثار شاخص این ژانر در ۴ دهه گذشته می‌پردازیم.

محمد جلیوند

دهه ۶۰ و شروع ملودرام‌های تماشاکرپسند پاییز صحرا

یکی از مشهورترین و پرخاشیه‌ترین ملودرام‌های این دهه ساخته اسدا... نیک‌نژاد با بازی شهلا میربختیار، جمیله شیخی، اسماعیل داورفر و داریوش مودبیان است که قصه آن حول محور خانوادہ‌ای ثروتمند می‌گذرد. با ورود صحرا به این خانوادہ و ازدواجش با پسر بزرگ آنها، تفاوت‌های طبقاتی و فرهنگی میانشان آشکار شده و به یک اختلاف عمیق ختم می‌شود که در آخر به جدایی این زوج جوان می‌انجامد. پاییز صحرا قصه تکراری اما امتحان پس داده ازدواج دختر فقیر و پسر پولدار را دستمایه کار خود قرار داده و یک ملودرام خانوادگی تمام عیار را شکل داده که بسیاری از ویژگی‌های تماشاکرپسند بودن را با خود دارد. در عین حال از بازیگران توانمندی هم سود جسته که هر یک در ایفای نقش‌های خود موفق بوده‌اند.

آینه

یکی دیگر از سریال‌های پربیننده دهه ۶۰ است که بسیار مورد توجه قرار گرفته و حتی در بازپخش‌هایش هم بینندگان زیادی داشته است. غلامحسین لطفی که در سال‌های اخیر به عنوان بازیگر و کارگردان بسیار کم‌کار شده، در آینه سراغ قصه‌هایی ساده و باورپذیر از

دل جامعه آن سال‌های ایران رفته و آن را با رگه‌هایی از طنز روانه آنتن کرده است. تمرکز آینه که در چند فصل هم ساخته شده، بیشتر روی زوج‌های جوان و کشمکش‌های معمول میان آنها متمرکز بود و پیام‌های اخلاقی خود را هم لایه‌لای آن گنجانده و به مخاطبان خود عرضه می‌کرد. در این بین به موضوع‌های روز آن سال‌ها همچون آپارتمان نشینی هم می‌پرداخت که برای مردم تازگی و در عین حال جذابیت داشت.

رعنا

داوود میرباقری در دومین مجموعه تلویزیونی‌اش سراغ قصه‌ای عاشقانه در بستر روزهای ملت‌بخت می‌دهد به پیروزی انقلاب رفته و آن را ماهرانه به تصویر کشیده است. قصه زنی بیمار و رو به احتضار که پسرش را در تظاهرات گم کرده و از طرف دیگر با برادر تاجر مسلکش که دختر او را برای ازدواج با پسرش (پوریا) می‌خواهد کلنجار می‌رود. او در خاطرات خود نیز همسر مرحومش را می‌بیند که زندگی عاشقانه‌ای را با او سپری کرده است. رعنا با وجود برخورداری از تعداد اندک شخصیت و لوکیشن‌های محدود، حس و حال تاثیرگذاری داشته و سرشار از دیالوگ‌های کوبنده و پینگ‌پنگی شکل است.

دهه ۷۰ و واگیری ملودرام

آپارتمان